

دیدگاه



ادغام روابط عمومی هادر دفتر وزارتی به معنای تضعیف آنها خواهد بود

روابط عمومی در حوزه های فرهنگی و هنری از حساسیت خاصی برخوردار است

مستقبل روشن
ایران جوان



ادغام روابط عمومی ها در دفتر وزارتی به معنای تضعیف آنها خواهد بود

دکتر محمد قدیری ایبانه

به میان آمد و نخستین موبایل‌هایی که گرفته شد مربوط به روابط عمومی‌ها بود. این امر نشان دهنده نگاه نادرست مدیریت و کم توجهی به اهمیت اطلاع‌رسانی و تبلیغات در کشور است.

روابط عمومی واحدی نیست که بتوان آن را همچون بخش حسابداری تخمین زد. در امور مالی و حسابداری معمولاً می‌توان محاسبه کرد اما این اتفاق در امور رسانه‌ای تأثیرات نامناسبی در امور اجرایی به دنبال خواهد داشت.

ادغام روابط عمومی در دفتر وزارتی گرچه می‌تواند از آن جهت که مدیر، اشراف بیشتری نسبت به امور پیدا کند، مزیتی به شمار آید اما واقعیت این است که دفتر وزارتی به شدت مشغول کارهای روزمره است و لذا آن طور که باید و شاید نمی‌تواند به کارهای رسانه‌ای بپردازد. کار بارسانه‌ها و مطبوعات و خبر، افرادی را به صورت تمام و کمال حتی زمانی در دولت آقای هاشمی رفسنجانی مصوبه‌ای گذرانده شد که روابط عمومی‌ها زیر نظر بالاترین مقام دستگاه باشند و توجه ویژه‌ای هم به آن شد. در دولت آقای خاتمی نیز در زمان سخنگویی دکتر مهاجرانی چنین مصوبه‌ای در شورای عالی اطلاع‌رسانی دولت تصویب شد. در حقیقت می‌توان گفت که ادغام روابط عمومی‌ها در دفتر وزارتی به معنای تضعیف روابط عمومی‌ها خواهد بود.

■ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای روابط عمومی در بخش خصوصی چه تمهیداتی را در نظر گرفته

این روزها سخن از طرح روزآمد کردن ساختار اداری است طرحی که دستگاه‌های اجرایی را ملزم به تجدیدنظر در تشکیلات سازمانی خود می‌کند و در این میان سخن از ادغام واحد تخصصی روابط عمومی در حوزه ریاست سازمان ما است و بالطبع سخن از رنجیدگی جامعه روابط عمومی که از جدی گرفته شدن حوزه‌شان زمان به زمان در رنجند. همه اینها و چیزهای دیگر هم ما را بر آن داشت تا با دکتر محمد قدیری ایبانه کارشناس مدیریت استراتژیک و... به گفت و گو بنشینیم

■ به منظور اجرای برنامه منطقی کردن اندازه دولت و بنابر مصوبه شورای عالی اداری دستگاه‌های اجرایی به تجدیدنظر در تشکیلات خود ملزم شوند. از جمله نتایج این بازبینی در ساختار تشکیلاتی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور نیز، ادغام واحد تخصصی روابط عمومی در حوزه ریاست سازمان بوده. با توجه به نقش و کارکردهای روابط عمومی در جهان ارتباطات امروز شما این طرح را چگونه تبیین کرده و تبعات آن را در چه می‌بینید.

متأسفانه هر بار تصمیم به کوچک‌سازی، صرفه‌جویی در هزینه‌ها یا حذف بخش‌هایی از سازمان‌ها می‌شود معمولاً روابط عمومی‌ها قربانی این نوع تصمیمات می‌شوند به یاد دارم زمانی بحث از کاهش تعداد موبایل‌های درون سازمان‌ها

است؟ آیا الزامی برای رعایت این بخشنامه در بخش خصوصی وجود دارد.

هیچ وقت صحبت از سپردن روابط عمومی به بخش خصوصی به میان نیامده است و اساساً نمی‌توان چنین مسؤلیتی را به بخش خصوصی سپرد. مسؤلیت روابط عمومی باید بر عهده بخش دولتی باشد. اما مانند بسیاری از کارها، می‌توان بخشی از امور را به بخش خصوصی سپرده و از این طریق کار روابط عمومی را پیش برد. به عنوان مثال اگر قرار است از کنفرانسی تصویربرداری شود می‌توان از شرکت‌های خصوصی در این زمینه بهره‌گیری کرد. اساساً الزامی وجود ندارد که دستگاه‌ها این کار را انجام دهند ولی به طور کلی بهتر است تا جایی که دستگاه‌ها توانایی دارند برای انجام امور به بخش خصوصی مراجعه کرده و کارهایی از این قبیل را به آنان واگذار کنند. به طور مثال امروزه در بسیاری کشورها، بررسی مطبوعات و تهیه بریده‌ها از آنها توسط بخش خصوصی صورت می‌گیرد و

شرکت‌ها مطابق با نیاز دستگاه این کار را صورت می‌دهند. در کشورمان نیز شایسته است که چنین کاری صورت پذیرد. هم در بخش بررسی مطبوعات و هم در بسیاری از بخش‌های دیگر. اصولاً این سیاست درستی است که تا حد امکان کارها را به بخش خصوصی محول کنیم. اما در نهایت سررشته کار باید در دست مدیران دولتی باشد.

■ متولیان روابط عمومی باید چه ویژگی‌هایی داشته باشند. در این راستا انجمن ما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت کشور چه نقشی ایفا می‌کنند و

چه کسی متولی این زمینه فعالیت است.

امروزه متولی خاصی به آن صورت وجود ندارد. از یک سو وزارت ارشاد مسؤلیت‌هایی را بر عهده دارد و از طریق دیگر شورای عالی اطلاع‌رسانی که هم اکنون زیر نظر سخنگوی دولت اداره می‌شود در این رابطه فعالیت داشته و نقش هماهنگ کننده میان دستگاه‌ها را بر عهده دارد. اساساً باید برای روابط عمومی چاره‌ای اندیشید. هماهنگی تنها نباید در راس سازمان باشد بلکه باید در بخش‌های دیگر نیز این هماهنگی ایجاد شود. از بخش‌های مهمی که باید دارای هماهنگی باشد روابط عمومی است. قطعاً نتیجه یک کار دسته جمعی بیش از کارمزدی خواهد بود که متأسفانه این هماهنگی وجود ندارد. به سازوکاری باید در این رابطه اندیشید و مسوولان هرکسی را نمی‌توانند در راس کار قرار دهند. متأسفانه آن نگاه منفی یا ناکافی مسوولان به روابط عمومی‌ها باعث

شده تا افراد متخصص و باتجربه در راس امور روابط عمومی به کار مشغول نشوند که البته خودشان هم از این بابت دچار زیان می‌شوند. دستگاه تبلیغاتی کشور و مدیریت آن به هر شکل باید به توافق برسند که افراد خبره و باتجربه‌ای به کار گمارده شوند و توانایی این امور را داشته باشند. در نهایت هرکس این مسؤلیت را بر عهده گرفت طبعاً باید با مدیریت سازمان هماهنگ باشد.

■ ارزیابی خود را در خصوص ایجاد انجمن صنفی برای حمایت از کارکنان روابط عمومی بفرمایید. به نظر



شما آیا باید با این کارمندان در چارچوب سیستم اداری رفتار شود و یا ساختاری مستقل داشته باشند.

مجموعه کارکنان روابط عمومی نمی‌توانند خارج از چارچوب مجموعه سایر کارکنان یک دستگاه فعالیت کنند. قاعدتا آنها نیز همچون سایر کارمندان خواهند بود با این تفاوت که در زمینه کار خود باید تخصص داشته باشند. همچنین باید با مدیر دستگاه خود هماهنگی کامل ایجاد کنند. ارتباط نزدیک و صمیمی با رییس سازمان و اعتماد رییس سازمان به مسوول روابط عمومی در پیشبرد امور اهمیت بسزایی داشته و مدیران روابط عمومی باید سعی کنند چنین اعتمادی را ایجاد کنند. اصولاً یک سویه نباید قضاوت کرد که تنها مسوولان هستند که روابط عمومی را درک نمی‌کنند. کارمند روابط عمومی نیز باید اهمیت روابط عمومی و کار خود را برای مافوق خود ترسیم کند. اگر او قرار است مخاطبان و جامعه را با سازمان آشنا کند باید توانایی آشنا کردن مدیریت سازمان خود را با اهمیت کار خود و اثرات و نتایج آن را داشته باشد. در این راستا انجمن صنفی نیز مانند انجمن صنفی پزشکان و مهندسان در جهت حمایت از کارکنان روابط عمومی ایجاد شده و کاملاً مفید خواهد بود.

■ آیا می‌توان اقدام به تدوین نظام‌نامه‌ای در خصوص فعالیت‌های روابط عمومی کرد. در این مورد نقش وزارت ارشاد در تدوین و اجرای این نظام‌نامه چیست.

می‌توان نظام‌نامه‌ای در رابطه با امر ارتباطات، تبلیغات و مطبوعات تدوین کرد یک نوع فراگیری دارد که شاید در این چارچوب ننگند. اما به طور کلی می‌توان اصولی کلی برای آن تدوین کرد.

حال باید دید منظور از پیشنهاد نظام‌نامه چیست؟ آیا مثل اصول اخلاقی است که پزشکان به آن متعهد می‌شوند یا جنبش‌های دیگری هم می‌تواند داشته باشد. در وضعیت

موجود، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌تواند به صورت محوری عمل کند. هم خودش و هم دفاتر استانی‌اش. اما با توجه به نقشی که استانداری‌ها در استان‌های کشور دارند وزارت کشور نیز می‌تواند در سطح استان‌ها صاحب نقش باشد. یعنی روابط عمومی‌ها در استان‌ها با همکاری وزارت ارشاد و هماهنگ با شورای عالی اطلاع‌رسانی می‌توانند هماهنگ با یکدیگر این نقش را ایفا کنند.

■ به عنوان آخرین سوال در عصر اطلاعات که روابط عمومی‌ها به عنوان اطلاع‌رسانان سازمان فعالیت می‌کنند؛ چه جایگاهی در ساختار و سیستم اداری کشور باید داشته باشند.

من معتقدم روابط عمومی‌ها یک نقش ویژه استثنایی، حیاتی و غیر قابل جایگزین در برنامه‌ریزی و پیشرفت هر سازمان و تحقق اهداف می‌توانند و باید داشته باشند. معتقدم مشارکت عمومی یکی از جنبه‌های موفقیت هر برنامه بوده و مشارکت ممکن نیست مگر آن که نسبت به آن آگاهی کامل وجود داشته باشد و این آگاهی، بدون تلاش حاصل نمی‌شود. به طور کلی یکی از کارهای مهم روابط عمومی این است که آگاهی موجود را به طرق مختلف به جامعه کرده و مشارکت را هم در سطح جامعه و هم درون سازمان به منظور تحقق اهداف و برنامه‌های مختلف جلب کند. لذا با توجه به نقشی که من برای امر مشارکت در موفقیت هر برنامه‌ای قایل هستم به همان اندازه هم به مساله اطلاع‌رسانی و روابط عمومی اعتقاد راسخ دارم. چراکه روابط عمومی است که باید بتواند با زمینه‌سازی و آگاهی کامل امکان این امر را فراهم کند. در نتیجه عرصه‌های زیادی وجود دارند که روابط عمومی‌ها می‌توانند در آن وارد شده و موفقیت‌های بزرگی برای هر سازمان و دستگاهی ایجاد کنند.